

## بررسی مهم‌ترین راهبردهای اقتصاد مقاومتی

### از دیدگاه قرآن و حدیث

حسن بوژمه‌رانی<sup>۱</sup>

رضا کوهساری<sup>۲</sup>

جواد ایروانی<sup>۳</sup>

علیرضا صابریان<sup>۴</sup>

doi 10.61186/QAE.2024.1261.1074

#### چکیده

«اقتصاد مقاومتی» اقتصادی تدبیری و ترمیمی است که دارای نقشی فعال، نه منفعل و خنثی کننده، نه تابع فعالیت‌های خصمانه جبهه زراندوزان بین‌المللی و معبری روشن بر گذر از مشکلات داخلی و بحران‌های ناشی از درهم‌ریختگی اقتصادی است. هدف از تدوین این اثر، بررسی مهم‌ترین راهبردهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و حدیث است؛ لذا این مقاله به این سؤال مهم پاسخ می‌دهد که مهم‌ترین راهبردهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و حدیث کدام‌اند؟ این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای و با روش تحلیل محتواست. داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری و در راستای پاسخ به سؤال تحقیق تجزیه و تحلیل و تدوین شده است. یافته‌های بحث نشان می‌دهد راهبردهایی، همچون حفظ استقلال اقتصادی، افزایش اقتدار اقتصادی حکومت، توسعه متوازن اقتصادی و مواردی نظیر این‌ها به صورت راهبردهایی عقلی و منطقی و الهی در درون شریعت موجودند و به صورت نظام‌مند در قالب نظام‌واره عملیاتی قابلیت اجرا دارند که در این پژوهش آن‌ها را از منظر قرآن و حدیث تبیین می‌کنیم.

**واژگان کلیدی:** راهبردهای اقتصاد مقاومتی، قرآن، حدیث.

۱. استاد حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول)، bozhmehrani\_64@yahoo.com

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی سمنان، kohsari888@gmail.com

۳. استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، irvani\_javad@yahoo.com

۴. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی سمنان، alireza.saberyan@yahoo.com

برترین هدایت‌کنندگان در طول تاریخ بشر کسانی بوده‌اند که در پرتوی وحی با آفریدگار جهان، رهنمودهای او را به مردم ابلاغ کرده‌اند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ، به‌عنوان تکمیل‌کننده هدایتگری پیامبران، آیینی به نام دین اسلام را که همگام با فطرت و طبیعت بشر بود عرضه کرد. همین انطباق با طبیعت و فطرت بشر ضامن تداومش تا قیامت است. بدیهی است چنین آیینی مردم را به بهترین و مقاوم‌ترین روش زندگی هدایت می‌کند.

در دین مبین اسلام، هیچ بخشی از مسائل مربوط به زندگی انسان مورد غفلت واقع نشده است. در این میان، بخش درخور توجهی از زندگی انسان را مسائل اقتصادی تشکیل می‌دهد که نقش مهمی در زندگی اجتماعی انسان‌ها نیز دارد؛ بلکه در حقیقت، زندگی اجتماعی براساس تنظیم صحیح مسائل اقتصادی است که می‌توان به مقاصد معنوی و فرهنگی دست یافت که توجه به آن اهمیت زیادی دارد.

قدرت‌های مستکبر جهانی تحریم اقتصادی را یکی از راه‌های مؤثر ناموفق جلوه دادن نظام اسلامی در اداره امور اجتماعی و حکومتی می‌دانند؛ به همین جهت از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تحریم‌هایی را اعمال کرده‌اند و هر سال نیز حلقه تحریم‌ها را تنگ‌تر می‌کنند؛ در این شرایط رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی ﷺ با مطرح کردن نظریه نوبنی در عرصه اقتصاد، با عنوان اقتصاد مقاومتی، بارقه امید به ملت ایران تزریق کردند. با اجرایی کردن این نوع اقتصاد در کشور، نه تنها کشور ما، بلکه تمام امت‌ها و کشورهای مسلمان می‌توانند بر دشمنان خود در این زمینه غلبه کنند. تحقق این نظریه اقتصادی نیازمند شناخت دقیق مبانی و راهبردهای کاربردی آن از دیدگاه قرآن و حدیث است؛ لذا ضرورت دارد این مبانی و راهبردها از دیدگاه این دو منبع الهی بررسی شود که این مقاله به این مهم پرداخته است.

## ۱. مفهوم اقتصاد مقاومتی

تعاریف مختلفی درباره اقتصاد مقاومتی ذکر شده که در اینجا به تعریف رهبر معظم انقلاب ﷺ که یکی از بهترین تعاریف به شمار می‌آید بسنده می‌شود: «اقتصاد مقاومتی عبارت است از اقتصادی مستقل که دارای خاصیت مقاومت مدبرانه در مقابل کارشکنی و

خباثت دشمن و آسیب‌ناپذیر در برابر بحران‌ها و نوسانات بین‌المللی باشد و در شرایط فشار و دشمنی‌ها بتواند، علاوه بر کاهش آسیب‌پذیری کشور در مقابل ترفندهای دشمنان و نوسانات جهانی، تضمین‌کننده روند روبه‌رشد و شکوفایی کشور باشد.» (بیانات رهبر معظم انقلاب عنه‌السلام در تاریخ‌های: ۱۳۸۰/۴/۱۰، ۱۳۸۵/۱۱/۳۰، ۱۳۹۱/۵/۳ و ۱۳۹۲/۶/۶). به نظر نگارنده اقتصاد مقاومتی را این‌گونه نیز می‌توان تعریف کرد: اقتصاد مقاومتی اقتصادی تدبیری و ترمیمی است که دارای نقشی فعال، نه منفعل و خنثی‌کننده، نه تابع فعالیت‌های خصمانهٔ زراندوزان بین‌المللی و معبری روشن بر گذر از مشکلات داخلی و بحران‌های ناشی از درهم‌ریختگی اقتصادی است.

## ۲. پیشینهٔ اجرای طرح اقتصاد مقاومتی

طرح اقتصاد مقاومتی از دیرباز در دنیا و حتی در صدر اسلام مطرح بوده؛ اما به اصطلاح امروزی که تبدیل به یک نظریهٔ علمی و گفتمان باشد وجود نداشته است. در اینجا به صورت مختصر و در سه محور به پیشینهٔ اجرای این طرح اشاره می‌شود.

### ۱.۲. اقتصاد مقاومتی در جهان

مقاومت‌های مختلفی برای رهایی از سلطهٔ استعماری خصوصاً در قرن بیستم در کشورهای مختلف جهان رخ داد که به طور مثال می‌توان به هندوستان اشاره کرد. هندوستان برای مدت پنج‌هزار سال دارای یک فرهنگ بسیار عالی بوده و به طور دائمی نظر خارجیان را به خود جلب می‌کرده است؛ به طوری که سال‌های متمادی دارای روابط تجاری خارجی بود و مقام مهمی در تجارت جهانی داشت؛ به خصوص در بخش پارچه‌بافی. با سلطهٔ استعمارگران انگلیسی و ایجاد کمپانی هند شرقی، چنان این سیستم تولید را نابود کردند که هندوستان از یک کشور صادرکنندهٔ پارچه به یک کشور واردکننده تبدیل شد (الهی، ۲۸؛ به نقل از سنایی‌فر و بکتاشیان، ۱۳۹۲: ۴۳). نه تنها صنعت نساجی و کشاورزی این کشور نابود و تحت غارت استعمارگران انگلیسی قرار گرفت؛ بلکه حیات سیاسی و فرهنگی آنان نیز تحت سلطهٔ آنان قرار گرفت. تلاش‌های مختلفی برای استقلال هندوستان و رفع سلطهٔ انگلیسی‌ها انجام شد که از همه مهم‌تر به مبارزات مردم این کشور به رهبری ماهاتما گاندی می‌توان اشاره کرد که با مبارزهٔ اقتصادی علیه انگلیس و تحریم استفاده از کالاها و منسوجات انگلیسی و تشویق به استفاده از منسوجات تولیدی

هندوستان، توانست با پایداری مردم سلطهٔ انگلیس را رفع کرده و استقلال هندوستان را به ارمغان آورد (گانندی و ابوالحسنی؛ به نقل از سنایی فر و بکتاشیان، ۱۳۷۷: ۴۴).

## ۲.۲. اقتصاد مقاومتی در صدر اسلام

یکی از توطئه‌های دشمنان در برابر گسترش اسلام، محاصره و تحریم اقتصادی بود که نمونهٔ برجسته و آغازین آن، جریان شعب ابی طالب است. در شعب ابی طالب تعداد مسلمانان اندک و حاکمیت مکه در دست کفار قریش بود و مسلمانان نه تنها حاکمیت، بلکه عده و عده و تجهیزات چندانی نداشتند؛ ولی ایمان و استقامت و امید آنان باعث پیروزی‌شان شد.

این نمونهٔ تاریخی و سرگذشت‌های تاریخی فراوان دیگر در صدر اسلام (نک: سبحانی، ۱۳۷۶: ۱۴۵ تا ۱۵۳) بیانگر این مطلب است که اقتصاد مقاومتی در صدر اسلام نیز مطرح بوده است و پیشینه‌ای تاریخی دارد و با توجه به شرایط زمانی و مکانی مصادیق تحریم ازسوی دشمنان، متفاوت و مقاومت ازسوی مسلمانان به گونه‌ای دیگر صورت می‌گیرد.

## ۳.۲. اقتصاد مقاومتی در ایران

اقتصاد مقاومتی در ایران به قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تقسیم می‌شود.

قبل از انقلاب نمونه‌های زیادی از ایستادگی مردانهٔ ملت مسلمان ایران در برابر توطئه‌ها و حملات اقتصادی دشمنان را می‌توان نام برد؛ مانند نهضت تحریم تنباکو (۱۲۷۰ش) که به دنبال واگذاری امتیاز پنجاه‌سالهٔ انحصار تولید و فروش توتون و تنباکو (محصول پرتولید کشاورزی و تجارت ایرانیان) توسط ناصرالدین شاه به شرکت رژی انگلیس انجام شد. این واگذاری نه تنها استقلال اقتصادی، بلکه نظام سیاسی و فرهنگ مردم ایران را به طور کامل تحت سلطهٔ انگلیس قرار می‌داد. در این نهضت مردم به رهبری روحانیت، مبارزه علیه آنان را آغاز کردند و سرانجام با حکم تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و مقاومت تمام به پیروزی مطلق دست یافتند (نجفی، ۱۳۷۳: ۱۰۵)؛ همچنین مانند نهضت ملی شدن صنعت نفت (۱۳۲۹ش) که نمونه‌ای دیگر از مبارزات مردم مسلمان ایران در برابر سلطهٔ پنجاه‌سالهٔ انگلیس بر نفت ایران بود. در این نهضت طرح ملی شدن صنعت نفت، با حمایت آیت‌الله

کاشانی، توسط اقلیت مجلس و به رهبری دکتر مصدق، تصویب و سپس مصدق به نخست وزیری رسید (مدنی، ۱۳۶۱: ج ۱، ۲۰۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۸۹).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز ایران صحنه‌ای از مقاومت در برابر ظلم و استکبار بود. نه تنها مبارزات مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام در سال‌های آغازین انقلاب و مقاومت غیورانه آنان در اعتصابات و فشار اقتصادی به شکست رژیم ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و قطع سلطه بیگانگان بر کشور منتهی شد؛ بلکه مقاومت جانانه آنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، الگویی برای همه کشورهای تحت ستم برای رهایی از فشار استعمار خارجی و استبداد داخلی شده است (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۹۰).

از همان ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی خصومت‌های اقتصادی دشمنان آغاز شد. تقریباً هشت ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی اولین تحریم‌های اقتصادی از طرف آمریکا علیه جمهوری اسلامی که محصول انقلاب اسلامی بود وارد شد. در دوران دفاع مقدس نیز این نبرد اقتصادی تشدید شد و تحریم‌های جدی‌تری علیه کشورمان اتفاق افتاد؛ اما می‌توان گفت دور جدید خصومت‌های اقتصادی از اواسط دهه هشتاد به آرامی شکل گرفت و از تیرماه سال ۱۳۹۱ به طور بی‌سابقه‌ای تشدید شد (عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۹۰).

رهبر معظم انقلاب علیه السلام برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ از لفظ «اقتصاد مقاومتی» در جمع کارآفرینان استفاده و این ادبیات را در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مطرح کردند و بنیان یک نظریه اقتصادی جدید شکل گرفت؛ نظریه‌ای که با مبانی و اهداف خاص خود و الگوی نظریه پردازی ویژه خودش شکل گرفت و مطرح شد. اوج تاریخ اقتصاد مقاومتی نیمه دوم سال ۱۳۹۲ است. با ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی یک برنامه جدید در کشور برای طراحی این نظام و اجرای آن آغاز شد (نک: عبدالملکی، ۱۳۹۳: ۱۹۱).

به این ترتیب پایه‌های نظری و قانونی اولیه برای طراحی یک نظام اقتصادی جدید تحت عنوان «اقتصاد مقاومتی» فراهم شد.

### ۳. ضرورت طرح مسئله

امروزه یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نبرد بین جبهه حق و باطل مسئله اقتصادی است. با توجه به اینکه مسائل اقتصادی با زندگی روزمره مردم بیش از سایر عرصه‌های دیگر مرتبط

و آسیب‌پذیر است، محل توجه دشمنان اسلام قرار گرفته و چند سالی است که دشمنان اسلام بیشتر در این عرصه تمرکز کرده‌اند. با عنایت به اینکه از سال ۱۳۸۹ رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام با هدف مقابله با توطئه‌های اقتصادی مخالفان، مسئله اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده‌اند، پرداختن به راهبردهای این موضوع و ارائه راه‌حل‌های اجرایی شدن این مهم، خصوصاً از دیدگاه قرآن و حدیث که کمتر به آن پرداخته شده است، ضرورت دوچندان دارد؛ زیرا هر طرحی اگر از مبانی وحیانی و روایی که مصون از خطا و اشتباه است برخوردار باشد، ضمن اینکه زمینه پذیرش بیشتری خواهد داشت، توطئه‌های اقتصادی دشمنان را خنثی و کارآمدی اقتصادی نظام اسلامی را به جامعه عرضه خواهد کرد و نشان‌گر توانایی علمی و نظریات صحیح آموزه‌های دینی در زمینه اقتصادی خواهد بود.

#### ۴. مهم‌ترین راهبردهای اقتصاد مقاومتی

در این پژوهش مهم‌ترین راهبردهای اقتصاد مقاومتی بیان می‌شود.

##### ۱.۴. حفظ استقلال اقتصادی و خودکفایی

اسلام یک نظام معنوی صرف نیست که تنها به استقرار عقیده در دل‌های مسلمانان و انجام امور فردی دینی اکتفا کند و مأموریت خود را پایان‌یافته بداند؛ بلکه اسلام یک روش عملی واقعی برای زندگی شرافتمندانه همراه با عزت و اقتدار جامعه و امت است که با هرگونه سلطه اقتصادی و سیاسی و فرهنگی به مقابله برمی‌خیزد.

مقصود از استقلال اقتصادی این است که جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد قابل قبولی از رفاه تولید کند و در اداره امور اقتصادی به دیگران نیازمند نباشد؛ هرچند ترجیح دهد برخی از نیازهای اقتصادی خود را به دلیل هزینه پایین‌تر یا هدفی دیگر از خارج کشور تأمین کند (هادوی تهرانی، ۱۳۸۳: ۸۳؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱: ۲۰۰). در استقلال، داشتن قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و اعمال این تصمیم‌ها و سیاست‌ها در حیطه حاکمیت نقش اساسی دارد؛ لذا چنانچه ملتی بتواند بدون تأثیرپذیری از محیط خارجی، اعم از منطقه‌ای و نیروهای اثرگذار بین‌المللی، برای خود برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تدوین کند، آن ملت را ملت مستقل می‌نامند.

مهم‌ترین آیه‌ای که در این زمینه می‌توان به آن استناد کرد عبارت است از آیه: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء، ۱۴۱): «(و خداوند ﷻ تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند.»)

غالب فقهای بزرگوار اسلام برای نفی هرگونه سلطه کافران بر مسلمانان به این آیه استناد کرده و مفاد آن را حکم دانسته‌اند نه اخبار؛ یعنی مسلمانان باید کاری کنند که کفار بر آنان مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه کفار شود نامشروع است.

از جمله راه‌های سلطه کفار بر مؤمنان سلطه اقتصادی است. متأسفانه امروزه سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته و این واقعیت تلخ به علت عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان و دستورات دینی است. مطابق این آیه مؤمنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها و از جمله وابستگی اقتصادی رهایی دهند (جمععی از نویسندگان، ۱۳۷۱: ۲۰۲). بدترین نوع سلطه بیگانگان که زمینه‌ساز سلطه سیاسی و فرهنگی نیز می‌شود سلطه اقتصادی است. سلطه اقتصادی آن‌گاه بر جامعه‌ای سایه می‌افکند که اقتصاد آن از لحاظ تولید و تأمین کالاهای اساسی عاجز باشد. در دنیای امروز رهایی از سلطه قدرت‌های اقتصادی در صورتی ممکن خواهد بود که با سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و صنعتی و تولید در این دو بخش به حدی رشد یابیم که جامعه را از واردات این‌گونه کالاها بی‌نیاز کنیم. باید به این مسئله توجه کنیم که دین برای ما عزت و سرافرازی خواسته است و ما را از سستی و عقب‌ماندگی که زمینه‌ساز سلطه‌های مختلف بیگانگان و کفار است برحذر می‌دارد. این مسئله به قدری مهم است که بی‌نیازی اقتصادی از کفار، از لوازم ایمان به شمار می‌آید؛ زیرا نیاز همیشه ملازم با ذلت و اسارت است و ملتی که بخواهد عزیز و سربلند زندگی کند باید خود را از نیاز به دیگران برهاند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۳، ۴۲۰؛ ری شهری، ۱۳۸۴: ج ۶، ۲۹۰ تا ۲۹۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۲: ج ۱، ۳۰۳). اگر جامعه اسلامی استقلال اقتصادی نداشته باشد، طبق برداشت از آیات و روایات، آثار شوم اجتماعی به دنبال خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به این آثار اشاره کرد: از بین رفتن استعدادها، احساس حقارت، خودفراموشی یا از دست رفتن فرهنگ خودی، برده شدن جامعه وابسته و... (نک: تاریخ پهلوی، خاطرات فرح پهلوی، ۲۰ تا ۱۰۰).

## ۲.۴. افزایش اقتدار اقتصادی حکومت اسلامی

دومین راهبرد، افزایش اقتدار اقتصادی حکومت اسلامی است. می‌توان این راهبرد را عنصری بیرونی یا فرامرزی دانست و می‌توان گفت این راهبرد به دو منظور می‌باشد: اول، ایجاد وحشت در کفار و دشمنان خارجی که به ذهن آن‌ها نقشه تجاوز نظامی و امکان تحت فشار قرار دادن حکومت اسلامی از نظر اقتصادی خطور نکند؛ دوم، اشاعه اسلام در خارج از مرزهای حکومت اسلامی با بهره‌گیری از امکانات اقتصادی و کمک به ملت‌های فقیر (هادوی تهرانی، ۱۳۸۳: ۷۹). پُر واضح است که چنین قدرت اقتصادی زمانی برای کشورمان حاصل می‌شود که از استقلال اقتصادی نیز برخوردار باشیم. در واقع استقلال اقتصادی شرط لازم برای چنین قدرتی است؛ هرچند شرط کافی نیست. اگر به استقلال اقتصادی برسیم به اقتصاد مقاومتی نیز می‌رسیم. خداوند تبارک و تعالی در این زمینه می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰)؛ «و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خداوند تبارک و تعالی و دشمن خودتان را بترسانید.»

از این آیه درباره این راهبرد به چند طریق می‌توان بهره جست: اول اینکه آیه مزبور به تجهیز نظامی مسلمانان برای ترساندن کفار امر کرده است تا آنان اندیشه هجوم بر جامعه اسلامی را به اذهانشان راه ندهند و بدون شک در صورتی تجهیز نظامی، دشمنان را از نقشه تجاوز منصرف می‌کند که توانایی جنگی جامعه اسلامی از نظر کیفی و کمی در حد عالی و برتری حتمی نسبت به تجهیزات دشمنان در همان عصر باشد و چنین امری جز در پرتوی قدرت اقتصادی میسر نخواهد بود؛ دوم اینکه اطلاق کلمه «مِن قُوَّةٍ» شامل هر نیرویی می‌شود. این شمول را می‌توان از بعضی روایات که حتی خضاب کردن موی صورت را به منظور جوان جلوه دادن سربازان از مصادیق «قُوَّةٍ» شمرده است، به خوبی استفاده کرد؛ از این رو اطلاق کلمه «قُوَّةٍ» شامل نیروی برتر اقتصادی نیز که برای رویارویی مسلمانان با دشمن از جمله ابزار حتمی شمرده می‌شود، خواهد شد؛ سوم اینکه از تعلیل ذیل آیه شریفه «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»؛ «تا بدین وسیله دشمنان خداوند تبارک و تعالی و خودتان را بترسانید.» استفاده می‌شود هر وسیله‌ای که موجب ترساندن کفار شود مطلوب است و یکی از مهم‌ترین ابزارهای ترس دشمنان، قدرت اقتصادی حکومت اسلامی است؛ آخر اینکه سیاق آیه نشان می‌دهد که آیه درباره جنگ است و طبعاً مهم‌ترین نیرو برای مقابله با

دشمن نیروی نظامی است؛ اما کلمه ﴿مِنْ قُوَّةٍ﴾ هر نیرویی را شامل می‌شود. نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌خصوص در جنگ‌های امروز که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش بسزایی دارد. دستور فراهم کردن نیرو برای مقابله با دشمن، تا آنجا که دشمن را به هراس افکند، ایجاب می‌کند که مسلمانان در هر زمینه و از جمله اقتصاد مستقل باشند؛ زیرا وابستگی اقتصادی به بیگانگان امکان قدرت اقتصادی را که موجب افکندن آنان در وحشت می‌شود، فراهم نمی‌سازد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱: ۲۰۲؛ برداشتی از: هادوی تهرانی، ۱۳۸: ۸۰).

روایاتی در تفسیر این آیه آمده است که با استفاده از آن‌ها شمول آیه به این راهبرد را بهتر می‌توان فهمید. از امام باقر علیه السلام نقل شده که گروهی بر امام حسین علیه السلام وارد شدند و دیدند که آن حضرت به رنگ سیاه خضاب کرده است. از علت آن پرسیدند که حضرت فرمودند: «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي عَزَاهَا أَنْ يَحْتَضِبُوا بِالسَّوَادِ لِيَقْوُوا بِهِ عَلَى الْمُشْرِكِينَ.» (کلینی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۴۸۱)؛ «رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در یکی از جنگ‌ها به مسلمانان دستور داد با رنگ سیاه خضاب کنند تا به این وسیله بر مشرکان قوت بگیرند و قوی‌تر بنمایند.» این روایات مسلمانان را تشویق می‌کند که برای مقابله با دشمنان کاری کنند که دشمن از نظر روانی تحت تأثیر قرار گیرد و پُر واضح است که وقتی اسلام برای رنگ ریش مسلمانان این‌گونه پیام دارد، به‌مراتب برای نیروی اقتصادی که برای رویارویی با دشمنان مؤثرتر و سرنوشت‌سازتر از رنگ موی صورت است توجه و پیام ویژه دارد.

آیه دیگری که به این راهبرد اشاره دارد آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ (نساء، ۱۴۴) است. این آیه مؤمنان را از اینکه به ولایت کفار بیبوندند و ولایت مؤمنان را ترک کنند نهی می‌کند. این آیه مؤمنان را اندرز می‌دهد که پیرامون این غرقگاه خطرناک نگردند و سبب خشم خداوند صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نشوند و حجتی واضح علیه خود به‌دست خداوند صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ندهند که اگر چنین کنند خداوند صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گمراهشان کرده، در کارشان نیز نیرنگ خواهد کرد، در زندگی دنیا سرگردانشان کرده، در آخرت هم بین آنان و کفار در یک مکان، یعنی جهنم، جمع خواهد کرد، در گودترین جایگاه آتش سکنایشان خواهد داد و رابطه بین آنان و هر یآوری و هر شفيعی را قطع خواهد کرد (طباطبایی، ۱۳۶۶: ج ۵، ۱۹۲). تأکید این آیه بر اینکه نباید

کفار را به‌عنوان دوست خود بگیریم به‌خاطر این است که عزت مؤمنان و اندیشه و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها که مبتنی بر مبانی اسلامی است از هجوم و سلطه کفار حفظ شود تا استقلال داشته باشند.

آیات دیگری نیز به این راهبرد اشاره دارند؛ اما بررسی همین دو آیه کفایت می‌کند (نک: هود، ۱۱۳؛ فرقان، ۶۷؛ بقره، ۲۶۱؛ اعراف، ۳۱؛ تکوین، ۸؛ نساء، ۵؛ ابراهیم، ۷ و ۳۲ و ۳۴).

### ۳.۴. توسعه متوازن اقتصادی

این راهبرد نیز یکی از مهم‌ترین راهبردهایی است که همه نظام‌های اقتصادی به‌دنبال آن هستند و تأثیر خوبی در اجتماع دارد؛ چراکه برای رسیدن به راهبرد اقتدار و استقلال اقتصادی، داشتن اقتصادی شکوفا و درحال رشد است که می‌تواند ما را به آن برساند.

در خصوص توسعه و تبیین مفهوم آن، تعاریف گوناگونی ارائه و بحث‌های فراوانی انجام گرفته است. در اینجا به ذکر یک تعریف بسنده می‌شود: توسعه جریانی است چندبُعدی که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی، تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به‌سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق یافته است (تودارو، ۱۳۷۸ش: ۲۳).

اگر بخواهیم با استفاده از منابع دینی این راهبرد را بررسی کنیم مناسب‌ترین واژه در این زمینه واژه «عمران» است. در قرآن و روایات این مهم آمده و حتی آن را به‌عنوان یکی از اهداف خلقت انسان بر روی زمین معرفی کرده‌اند (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴: ۳۷۹).

خداوند ﷻ در قرآن به نقل از یکی از انبیا به قومش می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَآلَهُمْ صَالِحَاتٌ قَالُوا يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ آلَهِ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعْرِزُوا لَهُمْ يَأْتُوا إِلَيْهِ وَإِنَّ رَبِّيَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ﴾ (هود، ۶۱)؛ «و به‌سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خداوند ﷻ را بپرستید؛ شما را جز او هیچ معبودی نیست و او شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست که در آن آبادانی کنید؛ بنابراین از او

آمزش بخواهید. سپس به سوی او بازگردید؛ زیرا پروردگام [به بندگانش] نزدیک و اجابت کننده دعای آنان است.»

کلمه «عمارت»، برخلاف کلمه «خراب» که به معنای از اثر انداختن چیزی است، به معنای آباد کردن چیزی است تا اثر مطلوب را دارا شود (طباطبایی، ۱۳۶۶: ج ۱، ۴۶۱). تصور برخی از دین اسلام این است که آموزه‌های این دین پیروان خود را به آخرت‌گرایی و گریز از دنیا دعوت کرده است و همین را سبب عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی دانسته‌اند؛ این درحالی است که آیات و روایات فراوان و نیز سیره پیشوایان دین سعادت‌آختری را از مسیر دنیا معرفی و برای رفاه انسان‌ها، در کنار سعادت آخرت آن‌ها، برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ از جمله خداوند ﷻ کسانی را که از نعمت‌های او جلوگیری می‌کنند سرزنش می‌کند: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾ (اعراف، ۳۲).

با توجه به این اصول ارزشمند دینی متوجه می‌شویم که ایجاد توسعه و رشد اقتصادی یکی از راهبردهای اقتصاد مقاومتی به شمار می‌آید.

از رهنمودهای اسلام و عمل رهبران بزرگ دین در این زمینه این راهبرد نیز برداشت می‌شود و توجه آن‌ها را به مسئله رشد و توسعه نمایان می‌کند. به برخی از این راهنمایی‌ها و نمونه‌های عملی اشاره می‌شود:

نمونه اول: تغییر وضعیت اقتصادی جزیره العرب از بازرگانی صرف و بودن واسطه در دادوستد کالاها به افزایش کشاورزی؛ تا آنجا که مدینه مرکز مهم تولید کشاورزی شد. اسلام، عرب جاهلی را از تبلی و آماده‌خوری بیرون آورد و به کار و کوشش واداشت؛ تا آنجا که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده که فرمودند: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأُعِدَّهُ اللَّهُ.» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۷، ۴۱)؛ «هرکه آب و خاکی بیابد و باز هم فقیر باشد خداوند ﷻ او را از رحمت خود دور کند.»؛ یعنی هرکه آب و خاک در اختیار داشته باشد نباید فقیر بماند؛

نمونه دوم: تأکید اسلام بر آباد کردن زمین‌ها و شهرها و تعطیل نگزاردن اراضی که از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی است. قرآن می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود، ۶۱). همچنین، در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«مَنْ كَانَ لَهُ أَرْضٌ فَلْيَزْرِعْهَا وَ إِنْ لَا يُؤَاجِرْهَا أَيَّاهُ» (علی المتقی، ۱۴۳۰: ج ۱۵، شماره ۴۲۰۵۳؛ زمخشری، ۱۴۱۷: ج ۱، ۳۰۲)؛ «هرکه زمینی دارد آن را بکارد؛ وگرنه به برادرش بدهد و از او اجاره نگیرد.» این روایت بیانگر یکی از سیاست‌های اقتصادی پیامبر ﷺ است؛ زیرا در اصل، اجاره دادن زمین مشروع و مجاز است؛ اما با توجه به موقعیت خاص مدینه که زمین مستعد و آب لازم برای کشاورزی داشت، ولی تولید آن کافی نبود، آن حضرت ﷺ زمینه را برای رشد تولید فراهم و از تعطیلی زمین یا موانعی که موجب استفاده نشدن از آن می‌شود جلوگیری می‌کنند. امیرالمؤمنین ﷺ در عهدنامه خود به مالک اشتر، یکی از وظایف استاندار را آبادی شهرهای منطقه مأموریت وی قرار می‌دهند (نهج البلاغه، نامه ۵۱).

رفتار ائمه ﷺ نیز نشان‌دهنده توجه به این راهبرد است. امیرالمؤمنین ﷺ در مدینه به آبادی زمین می‌پردازند و باغ‌ها و نخلستان‌های فراوانی آباد می‌کنند و می‌فروشند و همچنان به این کار ادامه می‌دهند؛ تا آنجا که در پایان عمر، باقیمانده آن‌ها را وقف یا صدقه قرار می‌دهند (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲، ۲۲، حدیث ۲ و ج ۱۳، ۳۱۲ و ۳۱۳). سایر ائمه ﷺ نیز به کشاورزی و آباد کردن زمین اهمیت فراوانی می‌داده‌اند و با کوشش خود در این راه پیروان خویش را به کار و تلاش وامی‌داشته‌اند (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۲، ۲۳، حدیث ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱ و ص ۲۵، حدیث ۱ و ۲)؛

نمونه سوم: تأکید بر سرمایه‌گذاری و پرهیز از کنار گذاشتن پول که هم در توصیه‌های بزرگان اسلام و هم در سیاست‌های مالی اسلام مشاهده می‌شود. امام صادق ﷺ در این زمینه می‌فرمایند: «مَا يُخَلِّفُ الرَّجُلُ بَعْدَهُ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ الصَّامِتِ قَالَ قُلْتُ لَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ قَالَ يَجْعَلُهُ فِي الْحَاظِطِ وَ الْبُسْتَانِ وَ الدَّارِ.» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۷، ۶۹، حدیث ۱)؛ «مرد بعد از خویش چیزی سخت‌تر از مال راکد به جا نمی‌گذارد. راوی گوید: «گفتم: با مال راکد چه کند؟» فرمودند: «آن را در [راه آبادسازی] باغ و بستان و خانه قرار دهد.»»

در این روایت و روایات مشابه بر قرار دادن مال در جریان تولید و سرمایه‌گذاری تأکید شده است. در سیاست مالی اسلام قرار دادن زکات بر نقدین (طلا و نقره)، در صورتی که کنار گذاشته شود (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۳۰۷) و بر شتر و گاوی که در طی سال کار

نکرده‌اند، (خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۹۹ و ۳۰۵) محرکی بر لزوم به کارگیری سرمایه و امکانات کار است که توجه به این دسته از روایات و نمونه‌ها اهمیت این راهبرد از دیدگاه اسلام را به ما نشان می‌دهد.

توجه به این راهبرد به گونه‌ای است که وقتی به تاریخ صدر اسلام نگاه می‌کنیم درمی‌یابیم که افزایش ثروت و پیدایش رفاه در اثر حاکمیت اسلام بوده؛ درحالی که وضع زندگی مردم در ابتدای ظهور اسلام بسیار فقیرانه بود؛ تا آنجا که برای انجام یک حمله به دشمن ناگزیر می‌شدند با حداقل خوراک گذران کنند؛ اما به برکت اسلام و تدابیر رسول گرامی ﷺ برای مسلمانان رشد و توسعه و رفاه به وجود آمد و وضعیت اقتصادی مسلمانان به تدریج بهتر شد؛ تا آنجا که وقتی سفیان ثوری به لباس فاخر امام صادق علیه السلام اعتراض می‌کند و می‌گوید که نه رسول الله صلی الله علیه و آله چنین لباس پوشیده است و نه علی علیه السلام و نه ائمه دیگر علیهم السلام، امام صادق علیه السلام در پاسخ سفیان می‌فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان تنگی و سختی بود [...]؛ ولی دنیا پس از آن رو به فراوانی نهاد (بحرانی، ۱۴۱۱: ج ۴، ۱۳۲؛ نک: جعفریان، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۶۲ تا ۲۷۴ و ۶۴۸ تا ۶۵۶).

ذکر دو نکته درخور توجه است: اول اینکه آن رشد و توسعه‌ای در اقتصاد مقاومتی مد نظر است که براساس عدل و قسط به دست آمده باشد و عوامل تولیدی، آن را براساس عدالت اجتماعی و ضوابط انسانی تهیه کرده باشند؛ دوم اینکه هدف از این راهبرد، از دیدگاه قرآن، این است که جامعه به سمت فلاح، فوز، نجات و حیات طیبه سوق پیدا کند (بقره، ۵؛ احزاب، ۷۱؛ فصلت، ۱۸؛ نحل، ۹۷).

## نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ذکر شده نتایج ذیل به دست می‌آید:

اولاً با بررسی راهبردهای اقتصاد مقاومتی، برتری نوع نگاه اسلام در مسائل راهبردی اقتصاد روشن می‌شود؛

ثانیاً با بررسی انجام شده روشن شد که توجه و عمل به راهبردهای ذکر شده، چه در رفتارهای شخصی و چه در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و وضع قوانین و اجرای آن‌ها، در پیشرفت نظام اقتصادی اسلام و برون‌رفت از مشکلات اقتصادی بسیار تأثیرگذار است؛

ثالثاً مهم‌ترین راهبردهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و حدیث، حفظ استقلال اقتصادی و خودکفایی و افزایش اقتدار اقتصادی حکومت و توسعه متوازن اقتصادی است؛ رابعاً راهبردهای اقتصاد مقاومتی باید‌هایی است که عمل به آن‌ها برای اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی ضرورت دارد. هر جامعه و مردمی به این اصول عمل کند نتیجه آن را خواهند گرفت و در عمل به آن‌ها بین کشورهای مسلمان و غیرآن تفاوتی نیست؛ چراکه خداوند ﷻ در آیه **﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ﴾** (نجم، ۳۹ و ۴۰) فرموده که هرکس به هر اندازه سعی و تلاش داشته باشد به همان میزان نتیجه خواهد گرفت. کلمه «انسان» دلالت بر عموم دارد و هر فردی را شامل می‌شود.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

۱. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، ۱۴۱۱، حلیة الأبرار فی أحوال محمد وآله الأطهار علیهم السلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة، .
۲. جعفریان، رسول، ۱۳۷۴، تاریخ سیاسی اسلام، تهران: انتشارات دلیل ما.
۳. جمعی از نویسندگان (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه)، ۱۳۷۱، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام .
۵. خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۵، تحریر الوسیله، تهران: دار‌العم.
۶. ری شهری، محمد، ۱۳۸۴، میزان الحکمه، قم: موسسه علمی فرهنگی دار‌الحديث.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۷، الفائق فی غریب‌الحديث، به تحقیق ابراهیم شمس‌الدین، بیروت: دار‌الکتب العلمیة.
۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۶، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، چ ۸، تهران: مشعر.
۹. سنایی فر، اکبر و جلال بکتاشیان، ۱۳۹۲، الزامات و ارکان اقتصاد مقاومتی، اصفهان: انتشارات مؤسسه فرهنگی پژوهشی صبح امید آتیه.
۱۰. سیدرضی، محمد بن حسین، ۱۳۹۳، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چ ۱۸، قم: پیام مقدس.
۱۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۲، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۶، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. عباس نژاد، محسن، ۱۳۸۴، قرآن و اقتصاد، تهران: بنیاد پژوهش‌های قرآن حوزه و دانشگاه.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۲، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، قم: اسوه.
۱۵. مایکل، تودارو، ۱۳۷۸، توسعه اقتصادی در جهان، تهران: موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
۱۶. متقی هندی، علاء‌الدین، ۱۴۳۰، کنز العمال، به تحقیق بکری حیانی و صفوة السقا، کراچی: دار الاشاعت.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۸. مدنی، جلال‌الدین، ۱۳۶۱، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. هادوی تهرانی، مهدی، ۱۳۸۳، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، نینوا: خانه خرد.